



گفت‌وگوی خبرنگار آنلاین با استاد بهاء‌الدین خرمشاهی/ اهل دل باشید، در بهار بهتر می‌توانید حافظ را بفهمید

ایران و نوروز ایرانی در برخورد با اسلام در گفت‌وگوی نوروزی خبرنگار آنلاین با استاد بهاء‌الدین خرمشاهی، حافظ شناس و قرآن پژوه.

ایران و نوروز ایرانی در برخورد با اسلام در گفت‌وگوی نوروزی خبرنگار آنلاین با استاد بهاء‌الدین خرمشاهی، حافظ شناس و قرآن پژوه.

نوروز دارای خاستگاهی سرزمینی، فرهنگی و انسانی است. جشن و آیینی است برخاسته از طبیعت خدا و مجموع شرایط سرزمین ایران که در پهنه جغرافیای فرهنگی ایران، بی‌وابستگی به هیچ قوم و مذهب و گروه خاصی در جان مردم نشست است و وجه مشترک همه گروه‌های قومی و اعتقادی شده است. همه اقوامی که به این سرزمین آمدند و همه جریان‌های اعتقادی که در اینجا رواج پیدا کردند، آن را پذیرفته‌اند، از آن مایه گرفته‌اند و بر آن اثر گذاشته‌اند. ارتباط فرهنگ اسلامی و نوروز ایرانی و تأثیرپذیری این دو بر یکدیگر موضوعاتی است که درباره آن با استاد بهاء‌الدین خرمشاهی، حافظ‌پژوه، ادیب و پژوهشگر علوم قرآنی به‌گفت‌وگو نشستیم. گفت‌وگوی گروه اندیشه خبرنگار آنلاین را با وی می‌خوانید:

استاد از نظر شما ورود اسلام به ایران بر سنت‌های نوروز که از کهن‌ترین سنت‌های ایرانیان است، چه اثراتی داشته است؟

ایرانیان در ایران باستان جشن‌های فراوانی داشتند، چرا که در هر ماه روزی همنام همان ماه بوده است. که با تقارن آن روز با ماه جشن‌هایی برگزار می‌شد. به‌طور مثال با تقارن روز مهر با ماه مهر جشن مهرگان را داشتیم. یا جشن‌های دیگری همچون جشن سده، شب یلدا، چهارشنبه‌سوری، سیزده‌بدر و سایر جشن‌ها، پس از ورود اسلام به ایران تقویم تغییر کرد و هجری قمری شد که البته در حال حاضر هجری شمسی است.

یعنی مدار از ماه به خورشید گذاشته شده است. با تغییر تقویم بسیاری از جشن‌ها نیز تغییر کرد و جشن‌های دیگری جایگزین آن شد؛ مانند عید فطر که به لحاظ اهمیت با نوروز برابر است و عید بزرگ مسلمانان است یا عید قربان، عید غدیر و میلادها همچون میلاد پیامبر اکرم (ص) که مولودی‌های بزرگی برپا می‌شد.

اما نوروز مهم‌ترین جشن‌های باستانی ایرانیان است و شاید سرآغاز آن در اسطوره‌ها باشد که به جمشید نسبت داده می‌شود. ائمه ما نیز نوروز را گرامی شمردند چرا که همراه با آغاز فصل آفرینش بود و همچنین عید غدیر در نوروز رخ داده بود و به دلیل این تطابق‌ها و همچنین اهمیت این جشن، در اسلام پذیرفته شد و حتی در متون عربی نوروز را نیروز گویند. آدابی نیز به آن اضافه شد مانند غسل و نماز و دعا‌های خاص هنگام نوروز.

در واقع می‌توان گفت با ورود اسلام به ایران، نوروز تطهیر شده و از حالت شاهنشاهی خارج شد. حتی من به خاطر دارم که مرحوم امام خمینی (ره) با آداب خاصی تحویل سال را به جا می‌آوردند که از تلویزون هم پخش می‌شد.

لذا در کنار سفره هفت‌سین که همراه نوروز بود و جشن‌های چهارشنبه‌سوری و سیزده‌بدر که قبل و بعد از نوروز بود، آدابی نیز براساس دین اسلام به این سنت اضافه شد و در واقع می‌توان گفت اسلام نوروز را بسیار گرامی داشت. حتی در مفاتیح‌الجنان و بسیاری متون حدیث نیز گفتارهایی در مورد نوروز داریم و حتی قرآن به عنوان سوره و به دلیل داشتن سین به سفره هفت‌سین اضافه شد.

علاوه بر آن که با ورود اسلام، قرآن به عنوان نماد تقدیس جدید نوروز نیز بود. همچنین نوروز فقط مختص ایرانیان نبوده است، بلکه در بسیاری از نقاط آسیای میانه، آسیای صغیر تا حاشیه خلیج فارس و ... اقوام بسیاری بودند که زبان فارسی داشتند و جشن نوروز را برپا می‌کردند. اکنون نیز این سنت بسیار رواج دارد و تمام اقوام کرد، لر، بلوچ، ترک و ... این رسم را برقرار و گرامی می‌دارند.

خود شما در لحظه تحویل سال چه حس و حالی داشتید و به چه چیزی فکر می‌کردید؟

احساس می‌کردم سال نو باید برای من بهتر از سال گذشته باشد. نه اینکه مرفه‌تر و خوشبخت‌تر باشم، بلکه منزه‌تر شوم و به وظایفم بهتر عمل کنم و یک احساس قدسی به من دست می‌دهد.

لحظه سال تحویل، ذهن آدمی را به یاد این بیت می‌اندازد که: نو ز کجا می‌رسد، کهنه کجا می‌رود / گرنه ورای نظر عالم بی‌منتهاست. بدیع السموات والارض است.

ما غافلیم از اینها چرا که «؛هر زمان نو می‌شود دنیا و ما / بی‌خبر از نو شدن اندر بقا»

پس تو را هر لحظه مرگ و رجعتی است / مصطفی فرمود: دنیا ساعتی‌ست

این همان ارتباط قیامت و بهار است؟

- دقیقاً. در روایت فرموده‌اند که بهار، آدمی را باید به یاد قیامت بیندازد.

بهار کدام بیت حافظ را بیشتر به یاد شما می‌آورد؟

- بهار، تمام حافظ را به یاد من می‌آورد. حافظ خودش بهار است و بهاری شده است. با دم مسیحایی یار و باد سحری، بهاری شده که می‌فرماید: زکوی یار می‌آید نسیم باد نوروزی، از این باد ار مدد خواهی چراغ دل برافروزی.

قرآن و حافظ و بهار روح آدمی را در نوروز کامل می‌کنند با این سه به قول هم او: آن مواعید که کردی مرود از یاد. حافظ خودش می‌بهار است. می‌فرماید: می‌اندر مجلس آصف به نوروز جلالی نوش / که بخشد جرعه جامت جهان را ساز نوروزی.

اینها برای صبح خیزانند که نوروز فتح و فیروزی نصیب این‌هاست. آدمی اگر اهل دل باشد، در بهار بهتر می‌تواند حافظ را بفهمد.